

دکتر نادی (استاد دانشگاه)

با سلام و وقت بخیر خدمت همکاران نیروی انتظامی. در خصوص صحبت‌های قبلی که پیرامون مسائل اجتماعی توسط جناب طلایی مطرح شد موید یکسری از نکات بود. جنبه هایی که اینجا از بعد نیروی انتظامی مورد بحث قرار گرفت، نشانه روی پیکان را به سمت آموزش و پرورش و آموزش عالی برد. ما در جامعه بطور مشخص نمی توانیم بفهمیم که مسئول برنامه ریزی ها در کشورمان چه کسی است. بطور رسمی



گفته می شود آموزش و پرورش و آموزش عالی اما از یک طرف ارگانها و سازمانهای مختلف بخشهایی را دارند که کار فرهنگی انجام می دهند و مشخص نیست که مدیریت فرهنگی در کشور کیست. مسائل فرهنگی کشور به مانند یک کشتی است که به هر سویی کشیده می شود. ما بسیاری از واکنش های وارونه را در جامعه داریم که منجر به پدیده های ضد فرهنگی می شود مانند پخش نوار روضه در روز تولد حضرت زهرا(س). پس بنابراین حتی اگر آموزش و پرورش تمام وظایف خود را درست انجام دهد تعارضهای موجود در اجتماع باعث می شود که ما رفتارهای ضد اجتماعی و یا آسیبهای اجتماعی را در یک سطح گسترده تر ببینیم. از سوی دیگر محتوایی که در سیستم آموزشی ما دارد کار می

شود به لحاظ افزایش دادن سطح آگاهی افراد در رابطه با آسیبهای اجتماعی کاملا عقیم است. اینکه ما می بینیم در چند سال اخیر تفاهم نامه هایی بین آموزش و پرورش و آقای دکتر احمدی مقدم منعقد می شود و رفتارهای بهتری را هم در جامعه شاهد هستیم به همین دلیل است که آموزش و پرورش ما به لحاظ محتوایی عملکرد مناسبی را ندارد. همچنین در کشور ما رفتن به سراغ مفاهیمی که بعدا منجر به آسیب می شوند بسیار تابو است. در خانواده هم سنبل فرهنگ پدر و مادر هستند که باید مسائل را به بچه ها منتقل کنند. اکثر خانواده های ما خودشان درگیر آسیبهای اجتماعی هستند اما الگوی فرزندان نیز هستند. اگر ما آموزش های حساسیت را در رابطه با اعتیاد را مطرح می کردیم و بعنوان یک تابو مطرح نمی کردیم و از

خیلی قبلها می آمدیم و اطلاعات خانواده ها را افزایش می دادیم مشکلات امروز را نداشتیم. مشکل دیگر اینکه مشخص شده بین جرم و سطح آگاهی افراد رابطه وجود داشته است. منظور از آگاهی آن چیزی است که موجب افزایش آگاهی شود نه صرفا دریافت مدرک. مگر ما پدیده طلاق و یا اعتیاد را در بین افراد تحصیل کرده کم می بینیم. منتهی این نبوغ علمی به دلیل عدم تربیت صحیح دارد در مسیر غلط استفاده می شود. اگر آگاهی توام با عملکرد افزایش نیابد این فرضیه هم معکوس خواهد شد که سطح تحصیلات با جرم مطابق است. مگر اینکه نگاه عمیقی به ساختار آموزشی داشته باشیم. در ارتباط با اعتیاد می بایست اذعان کرد که برخی از مواد مخدر صنعتی فقط کفایت می کند که یکبار فرد آنرا مصرف کند. در سوره بقره آمده است که اگر مردم قدر و منزلت خود را نشناسند هلاک می شوند و اگر ما به سرعت در پی بازسازی این ساختار اجتماعی نباشیم و ابعاد مختلف آنرا با یک تفکر سیستمی اصلاح نکنیم قطعا دچار مشکل خواهیم شد. وقتی مسئله اجتماعی مطرح می شود فقط مربوط به نیروی انتظامی و دانشگاه نیست و برای حل آن تمام کسانی که به نوعی با این مسئله اجتماعی درگیر هستند در این جمع می بایست حاضر شوند. شاید ایده هایی داشته باشند و نباید یک نگاه سنبلیک به مسئله داشته باشیم. مقام معظم رهبری در همین ارتباط جوانهایی که با این مسئله درگیر می شوند را بعنوان یک سرمایه در نظر می گیرند بنابراین فردی که معتاد می شود عملا از قاعده سرمایه خارج می شویم. باید توجه کرد که در هر جامعه با 3 بعد مواجه می شویم افرادی که در جامعه زندگی می کنند نیروی انسانی هستند و اگر بتوانیم آنها را به متخصص تبدیل کنیم می شوند منابع انسانی و اگر بتوانند ارزش بیافرینند می شوند سرمایه انسانی. چرا مواد مخدر برای تخریب جامعه ما بکار برده شده است؟ در اطراف کشورهای ما کشورهایی قرار گرفته اند که خود تولید کننده و منتقل کننده مواد هستند. امام خمینی(ره) خیلی قبل تر جواب این سوال را داده اند: جوانها زود از امور متأثر می شوند و یک نهال نارس هستند که یک نهال نارس زود آسیب می بیند و زود هم تربیت می شود. پس جواب این است که ما خوب تربیت نمی کنیم. بنابراین برای جلوگیری از این آسیبها می بایست از پیش دانشگاهی شروع کرد. در گروههای انحرافی دو فاکتور موسیقی های خاص و مواد مخدر مورد استفاده قرار می گیرد. کاری که اعتیاد می کند این است که بصورت عوامانه غیرت را از وجود فرد پاک می کند. اعتیاد دومین تجارت بعد از اسلحه در دنیاست.